

# Lived Experiences of Mothers in Relation to Children after Imprisonment of Head of Family

Samaneh Khazaei<sup>1\*</sup>, Mahmoud Sangari<sup>2</sup>, Ali Sadri<sup>3</sup>

1) Assistant Professor, Department of Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran

2) Assistant Professor, Department of Information Science and Epistemology, University of Birjand, Iran

3) MA of Public Administration, Imam Khomeini Support Committee, South Khorasan Province

Received: 10/15/2023    Revised: 06/07/2024    Approved: 06/28/2024

## Abstract

**Background:** Family is the basic unit of society and the main center of growth and excellence, and the ideological and ideal agreement in the formation of a healthy family is the main basis for the evolutionary and growing human movement, therefore, providing facilities to achieve this goal is one of the duties of parents.

**Aim:** The present study was conducted with the aim of explaining and investigating the lived experiences of mothers in relation to their children after the trauma of the head of the family being imprisoned.

**Method:** The approach of the current research was qualitative in terms of method; in an in-depth study, the researcher investigated the lived experiences of families with an imprisoned guardian. The current research population included all married women with children in Birjand city in 2023 whose husbands were imprisoned. Sampling was done using the purposeful sampling method and based on the principle of theoretical saturation in the sample size. Also, semi-structured interviews were used to collect data, and descriptive analysis using the Claizian method was used to analyze the data obtained from the phenomenological interviews.

**Results:** The research findings were represented in the form of 403 propositions, 302 concepts, 33 categories and 7 main categories. The main categories are: dependence on children, power of self-expression, control, life and hardship, feeling of hopelessness and helplessness, post-traumatic stress disorder, psycho-physical disorder. The results of the interviews also showed that the imprisonment of the father directly changes the quality of life and the relationship of the children with the mother.

**Conclusions:** The results of the research showed that the imprisonment of the father is directly related to the life of other family members and causes significant changes in their quality of life, and also affects the relationship between mother and children. Relationships sometimes get worse and the family sometimes leads to disintegration and confusion, and the normal flow of life that existed before is destroyed. Based on this, it seems that the families of drug prisoners need guidance and interventions to improve the quality of life and especially the parent-child relationship with the mother

**Keywords:** *lived experience, parent-child relationship, single-parent family, wife of prisoner, Imam Khomeini Relief Committee*

\* **Corresponding:** Samaneh Khazaei, s.khazaei@birjand.ac.ir

- **Article type:** research article

- **Article APA Reference**

Khazaei, Samaneh (2024). Lived experiences of mothers in relation to children after imprisonment of head of family. *Qualitative Research in Behavioral Sciences*, 3(1), 13-24. <https://doi.org/10.22077/QRBS.2024.7808.1043>

## تجارب زیسته مادران در ارتباط با فرزندان بعد از زندانی شدن سرپرست خانواده

سمانه خزاعی<sup>۱\*</sup>، محمود سنگری<sup>۲</sup>، علی صدری<sup>۳</sup>

(۱) استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه بیرجند  
(۲) استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه بیرجند  
(۳) کارشناسی‌ارشد مدیریت دولتی، کمیته امداد امام خمینی خراسان جنوبی

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۳ تجدیدنظر: ۱۴۰۳/۰۳/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۸

## چکیده

**زمینه:** خانواده، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده سالم، زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد دهنده انسان است، از این رو فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف والدین می‌باشد.

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف تبیین و بررسی تجارب زیسته مادران در ارتباط با فرزندان بعد از ضربه زندانی شدن سرپرست خانواده انجام پذیرفت.

**روش:** رویکرد پژوهش حاضر از لحاظ روش، کیفی بود؛ که محقق طی مطالعه عمیق به بررسی تجارب زیسته خانواده‌هایی با سرپرست زندانی پرداخت. جامعه پژوهش حاضر شامل تمامی زنان متأهل و دارای فرزند شهر بیرجند در سال ۱۴۰۱ بود که همسرانشان زندانی بودند. نمونه‌گیری با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اصل اشباع نظری در حجم نمونه در نظر گرفته شد. همچنین برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته و برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های پدیدارشناسی از تحلیل توصیفی به روش کلایزی استفاده شد.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش در قالب ۴۰۳ گزاره، ۳۰۲ مفهوم، ۳۳ مقوله و ۷ مقوله اصلی بازنمایی شد. مقوله‌های اصلی عبارتند از: وابستگی به فرزندان، قدرت ابراز وجود، کنترل، زندگی و محنت، احساس ناامیدی و ناتوانی، اختلال استرس پس از سانحه، اختلال روان‌تنی. نتایج مصاحبه‌ها همچنین نشان داد که زندانی شدن پدر به طور مستقیم کیفیت زندگی و رابطه فرزندان با مادر را دستخوش تغییرات می‌کند.

**نتیجه‌گیری:** به طور کلی نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که زندانی شدن پدر به طور مستقیم با زندگی سایر اعضای خانواده در ارتباط بوده و کیفیت زندگی آنها را دچار تغییرات اساسی می‌کند همچنین بر رابطه مادر و فرزندان نیز تأثیر دارد. رابطه‌ها گاهاً بدتر شده و خانواده گاهاً به از هم‌گسختگی و آشفتگی منجر شده و جریان عادی زندگی که قبلاً وجود داشت، از بین می‌رود. بر این اساس به نظر می‌رسد خانواده‌های زندانبان مواد مخدر تیار به راهنمایی و مداخلات یاری‌رسان در جهت بهبود کیفیت زندگی و به ویژه رابطه والد-فرزندی با مادر دارند.

**کلید واژه‌ها:** تجربه زیسته، رابطه والد-فرزند، خانواده تک‌والدی، همسر زندانی، کمیته امداد امام خمینی

\* نویسنده مسئول مکاتبه: سمانه خزاعی، s.khazaei@birjand.ac.ir

– نوع مقاله: پژوهشی

– ارجاع APA مقاله

خزاعی، سمانه (۱۴۰۳). تجارب زیسته مادران در ارتباط با فرزندان بعد از زندانی شدن سرپرست خانواده. پژوهش‌های کیفی در علوم رفتاری، ۳(۱)، ۱۳-۲۴.  
<https://doi.org/10.22077/QRBS.2024.7808.1043>

خزاعی، س. (۱۴۰۳). تجارب زیسته مادران در ارتباط با فرزندان بعد از زندانی شدن سرپرست خانواده. پژوهش‌های کیفی در علوم رفتاری، ۳(۱)، ۱۳-۲۴.  
<https://doi.org/10.22077/QRBS.2024.7808.1043>

## مقدمه

خانواده و از آن مهم‌تر، والدین در فرآیند زندگی و تعاملات اجتماعی افراد نقشی اساسی ایفا می‌کنند و کارگزاران اصلی اجتماعی شدن فرزندان قلمداد می‌شوند (Mirhosseini & Ebrahimi, 2020). سبک زندگی والدین و مسائل و مشکلات آن‌ها بر زندگی کنونی و آینده فرزندان تأثیر بسزایی دارد و ممکن است زندگی آن‌ها را با بحران‌های اساسی مواجه کند که پیامدهای آن تا مدت‌ها در زندگی آن‌ها باقی می‌ماند (Kahrizeh et al., 2020).

نگاه به خانواده همچون نگاه به یک سیستم است که مجموعه‌ای از واحدها، بخش‌ها یا افرادی را در بر می‌گیرد که به طور پیوسته با هم در تعامل هستند و همراه با هم یک کل را به وجود می‌آورند و هر بخش از این سیستم تحت تأثیر اموری است که در درون نظام یا سازمان مورد نظر برای بخش‌های دیگر رخ می‌دهد (Bashirgonbadi et al., 2021). افزون بر تأثیراتی که هر یک از اعضای درون نظام خانواده بر هم دارند از سیستم بزرگتر که با عنوان اجتماع شناخته می‌شود نیز تأثیرپذیر و با آن در تعامل هستند (Foster, 2019)، بنابراین هر گونه تغییری که در اجتماع صورت می‌گیرد بالطبع در نظام کوچکتر خانواده هم آثارش پدیدار خواهد گشت. یکی از تغییرات اجتماعی که در طول ۳۰ سال گذشته رخ داده است تشکیل شکل‌های گوناگونی از خانواده و شیوه‌های مختلف زندگی است (Straub & Annison, 2020). در واکنش به این تغییرات، برخی از خانواده‌ها نسبت به خانواده‌های دیگر با آسیب‌های بیشتری درگیر شده‌اند که با نام خانواده‌های آسیب‌پذیر شناخته می‌شوند (Halter, 2018).

خانواده‌های آسیب‌پذیر با چالش‌های چندگانه و بلندمدت، روبه‌رو هستند. چالش‌ها شامل مشکلات پیوسته و درون سیستمی و درونی مانند سوء‌مصرف مواد، کمبود آموزش و خشونت، فقر بلندمدت مزمن و کمبود منابع هستند. مشکلات در بافتی از محرومیت‌های اقتصادی تجربه می‌شوند که خانواده و اعضای آن را در روندی پر تنش، درگیر می‌کند (Gueta, 2018). آسیب‌پذیری خانواده‌ها تا بدان جا پیش رفته است که از هر چهار خانواده، یک خانواده آسیب‌پذیر است (Roghanchi et al., 2017).

یکی از مهم‌ترین گونه‌های خانواده آسیب‌پذیر، خانواده‌های تک-سرپرست یا تک‌والدینی هستند که متأسفانه در جوامع امروزی در حال رشد نیز هستند (Rezaei et al., 2013). طبق آخرین سرشماری مرکز آمار در سال ۱۳۹۵ بیش از ۲۴/۲ میلیون خانوار در ایران زندگی می‌کنند که ۱۲/۷ درصد آن را خانوارهای زن سرپرست تشکیل می‌دهند (Iranian Statistics Center, 2018). این در حالی است که براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، تعداد خانوارهای زن سرپرست بیش از ۲ میلیون و ۵۶۳ هزار خانوار یعنی حدود ۱۲/۱ درصد بوده است که نسبت به سال‌های گذشته رشد درخور ملاحظه‌ای -حدود ۲/۶ درصد افزایش نسبت به سایر دوره‌ها- دارد (Shiyani & Zare, 2020).

یکی از مهم‌ترین مسائلی که موجب تک‌سرپرست شدن خانواده‌ها می‌گردد، ارتکاب جرم به دست یکی از والدین و به دنبال آن زندانی شدن آن‌هاست که تجربه زیسته متفاوت و خاصی را در زندگی فرزندان رقم می‌زند که احتمالاً با تجربه زیسته سایر کودکان و نوجوانان متفاوت است و زندگی آتی آن‌ها را با خطرهای فراوانی روبه‌رو می‌کند (Mirhosseini & Ebrahimi, 2020). از این رو توجه به خانواده‌های تک‌والدینی به ویژه خانواده‌های مادر سرپرست، بسیار اهمیت دارد.

مطالعات با بررسی آسیب‌های فرزندان این خانواده‌ها نشان داده‌اند که این فرزندان نسبت به خانواده‌های سالم از لحاظ پیشرفت تحصیلی، اعتماد به نفس، وجهه اجتماعی، برقراری ارتباط با دوستان، بدرفتاری، افسردگی و نگرانی و میزان سلامت جسمی در سطح پایین‌تری قرار داشتند (Boswell, 2018). همچنین طبق پژوهش‌ها، آسیب‌های فرزندان این گونه خانواده‌ها شامل سیگار کشیدن و مصرف داروی بیشتر فرزندان، دزدی از مغازه‌ها، خسارت به اموال مدرسه، فرار از خانه، مستی در ملاعام، دعوا، سرقت، دستگیری به وسیله پلیس، دروغ‌گویی درباره مسائل مهم، داشتن روابط جنسی بیشتر عنوان شده‌اند (Van de Weijer et al., 2018). همچنین ناامنی در خانواده، وظایف چندگانه مادر، از دست دادن درآمد، مشکلات جسمی و روان‌شناختی مادر و عدم رضایت از زندگی در مادر از جمله مشکلات زنان هنگام زندانی شدن همسر می‌باشد (Jeffries & Chuenurah, 2018).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند در زنانی که همسر ایشان در زندان است و سرپرست خانوار محسوب می‌شوند، نقش‌های گوناگون منجر به ایجاد فشار روانی می‌شود. به ویژه هنگامی که آنان دو یا چند نقش گوناگون را همزمان بر عهده می‌گیرند (مانند نقش مادری و شاغل بودن)، انتظارات رفتاری ناشی از آن نقش‌ها در ایجاد مشکلات گوناگون تأثیرگذار خواهد بود (Baghi & Moussavi, 2017). از سوی دیگر آسیب‌های فردی و اجتماعی فراوانی در زندگی این زنان وجود دارد که لازم است به آن پرداخته شود. در سطح فردی، احساس نگرانی به دلیل نبود پشتوانه اقتصادی، اجتماعی و اختلالات روانی همچون افسردگی، اضطراب، وسواس و پرخاشگری، احساس ناکامی در برابر باورهای سنتی جامعه، کمبود آگاهی برای اداره امور مالی خانواده، مشکل کنترل فرزندان، احساس تنهایی، پذیرش نقش‌های گوناگون در خانواده و در

سطح اجتماعی نیز موانعی همچون مشاغل سطح پایین، کمبود امکان ارتقای شغلی، کمبود حقوق و دستمزد در مقایسه با مردان وجود دارد (Roghanchi et al., 2017).

اما شاید اصلی‌ترین چالش در این خانواده‌ها ارتباط والد-فرزندی باشد. رابطه والد-فرزندی یک رابطه مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است. رابطه بین والدین و فرزندان نخستین معرف دنیای ارتباطات برای کودک می‌باشد. احساس عشق، صمیمیت و امنیت به طور مستقیم ریشه در این روابط دارند (Bashigonbadi et al., 2024)، اما در خانواده‌هایی که یک والد در زندان به سر می‌برد، تنها یک نفر (عمدتاً مادر) مسئولیت مراقبت از فرزند یا فرزندان را تقبل می‌کند و لذا کم و کیف رابطه والد-فرزندی بسیار چالش‌برانگیز است (Zare Bahramabadi et al., 2013). وقتی روابط والد-فرزند صمیمانه و حمایت‌کننده باشد به فرزندان امکان می‌دهد تا عقاید و نقش‌های مختلف را بررسی کنند. همچنین کیفیت این روابط به خودمختاری فرزندان کمک کرده و اتکاء به خود بالا، شایستگی تحصیلی و حرمت خود مطلوب را در آن‌ها پیش‌بینی می‌کنند. در مقابل والدینی که جبری یا از لحاظ روان‌شناختی کنترل‌کننده هستند، در رشد خودمختاری فرزند خود اختلال ایجاد می‌کنند (Karimi & Fatemi, 2019). بر این اساس نوع این رابطه دارای اهمیت فراوانی است.

با این حال پژوهش‌های اندکی به بررسی این رابطه در خانواده‌هایی با سرپرست زندانی پرداخته‌اند. از آنجا که با زندانی شدن مرد خانواده، مسئولیت فرزندان به دوش مادر می‌باشد و وی باید نقش‌های متعددی را پذیرا شود و از آنجا که این وضعیت ارتباط وی با فرزندان خصوصاً در سنین نوجوانی دستخوش تغییراتی می‌نماید، لذا پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که تجارب زیسته مادران در ارتباط با فرزندان در خانواده‌هایی با سرپرست زندانی چگونه است؟ این اطلاعات می‌تواند سازمان‌ها و دستگاه‌های مربوطه را برای برنامه‌ریزی مناسب در این حوزه یاری دهد.

## روش

پژوهش حاضر بر مبنای هدف، یک تحقیق کاربردی و از نظر روش‌شناسی جزء تحقیقات کیفی از نوع پدیدارشناختی است. جامعه پژوهش حاضر شامل تمامی زنان متأهل و دارای فرزند شهر بیرجند در سال ۱۴۰۱ بود که همسرانشان در زندان بودند. با توجه به وضعیت زندانیان شهر بیرجند و تعداد بالای زندانیان مواد مخدر، نمونه‌گیری از همسران این گروه از زندانیان به عمل آمد چرا که اولاً بیشترین تعداد زندانیان مربوط به این گروه می‌باشد و ثانیاً نوع جرم واقع شده به گونه‌ای است که ممکن است بیشتر خانواده را درگیر نماید. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر مانند اکثر مطالعات کیفی با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. با توجه به نمونه‌گیری هدفمند ملاک‌های انتخاب نمونه در پژوهش حاضر عبارت بود از: حداقل سواد خواندن و نوشتن؛ داشتن حداقل یک فرزند بالای ۶ سال؛ عدم داشتن فرزند معلول یا بیمار چرا که ممکن است نتایج را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ عدم ابتلا به اختلالات روان‌شناختی در ۶ ماه اخیر؛ تمایل به داشتن مصاحبه با پژوهشگر؛ داشتن همسر زندانی به جرم مصرف و یا حمل مواد مخدر. نمونه مورد مصاحبه، بر اساس اصل اشباع نظری در حجم نمونه در نظر گرفته شد. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. جهت تنظیم سؤالات مصاحبه و برای اطمینان از روایی محتوایی آن‌ها ابتدا با جمع‌بندی نظرات کارشناسان آگاه به موضوع به تهیه چارچوب کلی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته اقدام شد. در نهایت تعداد ۱۰ سؤال بر مبنای نتایج مطالعه مقدماتی پژوهش و همچنین اطلاعات به دست آمده از مطالعه مبانی نظری و ادبیات مربوط به کیفیت رابطه والد-فرزند تنظیم شد. محور اصلی سؤال‌های مصاحبه در راستای کشف عوامل مؤثر بر رابطه مادر-فرزندی در خانواده‌های زندانیان بود برای مثال «رابطه شما با فرزندتان چگونه است؟»، «آیا فرزندتان به شما اعتماد دارد؟»، «آیا به داشتن فرزند دیگر علاقه دارید؟»، «چگونه خلاء وجود پدر را برای فرزندتان جبران می‌کنید؟» و ... .

مصاحبه‌ها با طرح موضوع پژوهش و سؤال کلی در مورد شرایط خانواده آغاز شد و بر اساس پاسخ‌های ارائه شده هدایت می‌گردید. مدت زمان هر مصاحبه با توجه به شرایط، وقت لازم، میزان تحمل و علاقه‌ی مشارکت‌کنندگان بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه در نظر گرفته شد. تمام مصاحبه‌های انجام شده با کسب اجازه از شرکت‌کنندگان به صورت صوتی و با استفاده از دستگاه MP3 ضبط گردید و سپس برای انجام تحلیل‌های بعدی به دقت مصاحبه‌ها در فایل ورد پیاده شدند. لازم به ذکر است که برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، از نام مستعار (خانواده شماره ۱ و ۲ و ...) برای شرکت‌کنندگان استفاده شد.

همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، طبق مراحل هفت‌گانه روش کلایزی، در مرحله اول پژوهشگر پس از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان تحقیق، ابتدا به بیانات ضبط شده مصاحبه‌شوندگان مکرراً گوش داده و اظهاراتشان را کلمه به کلمه روی کاغذ نوشت. در مصاحبه‌ها، متن مصاحبه به شکل منظم و قابل درک، ویرایش و تدوین شد. دست‌نوشته‌های تهیه شده از مصاحبه‌ها جهت درک احساس و تجارب مصاحبه‌شوندگان، چند بار مطالعه و به صداهای ضبط شده گوش داده شد تا از احساسات درونی و معانی پنهان روایت‌های آنان، آگاهی حاصل شده و با این کار، یک معنای کلی به دست آمد. در مرحله دوم، پژوهشگر چندین بار به بازخوانی مجدد متون پرداخته و بر عبارات و جملاتی

که مستقیماً با پدیده مورد بررسی در ارتباط بودند، تمرکز نمود. پس از مطالعه همه توصیف‌های مصاحبه‌شوندگان، زیر اطلاعات با معنی و بیانات مرتبط با پدیده مورد بحث، خط کشیده شد و به این طریق، جملات مهم مشخص شد. در مرحله سوم که مرحله تدوین معانی و استخراج مفاهیم فرمول است، پس از بررسی دست‌نوشته‌ها برای یافتن موضوعات و معانی واحدها و درک ماهیت تجارب مشارکت‌کنندگان و جستجوی تجارب اساسی و همچنین جستجو برای تعیین اظهارات مهم و معنی‌دار یا پیشنهاد برای شرح این موضوعات و رابطه بین موضوعات و پیشنهادات با مفاهیم، سعی شد از هر عبارت، یک مفهوم استخراج شود که بیانگر معنی و قسمت اساسی تفکر فرد باشد. پس از کسب این مفاهیم تدوین شده، سعی شد مرتبط بودن معنی تدوین شده با جملات اصلی و اولیه مورد بررسی قرار گیرد و از صحت ارتباط بین آن‌ها اطمینان حاصل شود. مطابق مرحله چهارم کلایزی، پس از استخراج کدها، پژوهشگر، مفاهیم تدوین شده را به دقت مطالعه کرد و بر اساس تشابه مفاهیم، آن‌ها را دسته‌بندی نمود. بدین روش، دسته‌های موضوعی از مفاهیم تدوین شده تشکیل شد. در مرحله پنجم که مرحله تدوین توصیف تحلیلی احساسات و افکار مشارکت‌کنندگان و دیدگاه‌های مربوط به موضوعات است، نتایج برای توصیف جامع از پدیده تحت مطالعه به هم پیوند داده شد و دسته‌های کلی‌تری را به وجود آورد. در مرحله ششم، توصیف جامعی از پدیده مورد مطالعه (تا حد امکان با بیانی واضح و بدون ابهام) ارائه شد. در مرحله پایانی، اعتباربخشی با ارجاع به هر نمونه صورت گرفت. نتایج برای شرکت‌کنندگان شرح داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا نظرات و واکنش‌های خود را راجع به نتایج ارائه دهند.

به منظور صحت و اعتبار داده‌های پژوهش از چهار شاخص اعتبار (Guba & Lincoln (1989) استفاده شد. برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها پس از تحلیل، هر مصاحبه دوباره به شرکت‌کننده بازگشت داده شد تا صحت و سقم مطالب تأیید و تغییرات لازم اعمال گردد. جهت تضمین قابلیت تصدیق سعی بر آن بود که پژوهشگر پیش فرض‌های پیشین خود را تا حد امکان در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات دخالت ندهد. جهت تصدیق قابلیت اطمینان و کفایت، از راهنمایی و نظارت همکاران متخصص استفاده شد و متن مصاحبه جهت بررسی کدگذاری‌ها به اساتید و یک متخصص پژوهش کیفی داده شد. جهت افزایش قابلیت تعمیم و انتقال به موقعیت‌های دیگر، این تلاش صورت گرفت که برای شرکت در پژوهش تا حد امکان از خانواده‌های مختلف استفاده شود.

## یافته‌ها

### سؤال اول پژوهش: کیفیت رابطه مادر-فرزند بعد از زندانی شدن سرپرست خانوار چگونه است؟

نتایج مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده سؤال کیفیت رابطه مادر-فرزند بعد از زندانی شدن سرپرست خانوار در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: مفاهیم اصلی و مقوله‌های ارتباط مادر فرزندی

ردیف	مفاهیم	مقوله
۱	محدودیت زندگی، فضای دلگیر، محروم شدن از آزادی	زندگی و محنت
۲	تحت نظارت شدید بودن، احساس تحت کنترل بودن، نداشتن استقلال، نداشتن اختیار و اراده	کنترل
۳	مظلوم واقع شدن، ناتوان بودن در برابر عکس‌العمل فرزندان، مبهم بودن سرنوشت زندانی بودن همسر، مایوس شدن، ناامیدشدن از زندگی، احساس ضعف و ناامیدی	احساس ناامیدی و ناتوانی

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد، زنانی که دارای فرزند هستند و به همسرشان علاقه دارند، تمایل بیشتری برای بازگشت به زندگی و ترک اعمال جرمی همسرشان ابراز داشتند. پروانه ۴۷ ساله، همسر زندانی، سه دختر متولد ۷۱، ۶۷ و ۷۳ دارد و دختر بزرگش عقد کرده است. مادر و خواهرش نیز معتاد هستند. شوهرش چهار بار سابقه‌ی زندان رفتن دارد که هر چهار بار به خاطر حمل و نگهداری مواد مخدر بوده. اکنون به همراه سه دخترش زندگی می‌کنند و دختر بزرگش هم به سر کار می‌رود.

«...ارتباط متوسطی با دخترام در دوران قبل از اینکه همسرم زندان بود داشتم، ولی در حال حاضر ارتباط

خیلی خوبی با همدیگر داریم...»

یکی دیگر از مشکلاتی که زنان در ارتباط با فرزندان‌شان مطرح می‌کردند، بحث احساس درماندگی است. رابطه‌ها بعضاً خوب هست، ولی در عین حال که زنان پشت و پناهی ندارند، این احساس درماندگی به وجود می‌آید.

**مقوله زندگی و محنت:** زندان فرد را در شرایطی قرار می‌دهد که توانایی کنترل بر اوضاع را از دست داده، آثار و پیامدهایی مانند کمبود اعتماد به نفس، بالا رفتن احساس ناکامی و ناتوانی، بیماری‌های جسمی و روانی را برای فرد رقم می‌زند. همچنین تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های استخراج شده از همسران خانواده زندانی نشان می‌دهد، آنان به بعد فضایی و روانی زندان توجه داشتند و زندان را مکانی

وحشتناک، دلگیر، رنج‌آور و آزارنده می‌دانستند. مکانی که از نظر فیزیکی و روانی، آنان را از آزادی محروم می‌نماید و زندان را محیطی آسیب‌زا می‌دانستند که تعدادی زیادی افراد به علت آن، خود را در تنگنای اجتماعی و روانی در اسارت می‌دیدند. شرکت‌کننده شماره ۲ گفت:

«زمانی که همسرم در زندان است، از هر چی در دنیا هست محروم هستم و هیچ‌گونه آزادی ندارم، حوصله فرزندان را نیز ندارم و به مشکلاتشون نمی‌توانم گوش کنم».

**مقاله کنترل:** کنترل را می‌توان اعمال قدرت، هدایت، یا بازداری اعمال و رفتار دیگران یا خود تعریف کرد. اما چنین کنترلی همیشه امکان‌پذیر نیست غالب اوقات ما با موقعیت‌هایی مواجه هستیم که به نظرمی‌رسد در آن‌ها کسی دیگر یا چیز دیگری کنترل سرنوشت ما را به دست دارد و آزادی انتخاب ما شدیداً محدود است. در بعضی موقعیت‌ها و مکان‌هایی مانند زندان، این «احساس کنترل دیگری» ممکن است ناخوشایند و ناکامی‌آور باشد. طبق روایت مشارکت‌کنندگان در هنگام حس احساس بی‌اختیاری و بی‌ارادگی داشتند و حس مالکیت خویش را از دست داده بودند. مشارکت‌کننده شماره ۳ در این خصوص بیان داشت:

«زمانی که همسرم برای مدت نامعلوم در زندان باشد، هیچ‌گونه اراده‌ای برای انجام کار ندارم و ناتوان، ضعیف و در بند دیگران هستم».

**مقاله احساس ناتوانی و ناامیدی:** امید به معنای اعتماد، انتظار، توقع و چشم داشت است. امید موتور محرکه زندگی بشر است؛ زیرا انتظار رسیدن به آن چه یا کس است که شخص را به آینده امیدوار کرده و سرزندگی، نشاط، تحرک و فعالیت خلاقانه را در او ایجاد می‌کند. اما ناامیدی عامل کسالت، بی‌تحرکی، افسردگی و بی‌اعتمادی نسبت به آینده است. ناامیدی یک احساس قدرتمند است که اکثراً در ایجاد روحیه فرو رفته یا غمگین، نقش دارد و ممکن است بر شناخت و ادراک شخص از خویشتن و محیط تأثیر منفی بگذارد. ناامیدی و ناتوانی با ضعف سلامت روانی، روحی و جسمی ارتباط نزدیک دارد. احساس ناامیدی و ناتوانی در زندانیان غالباً باعث کاهش علاقه به موضوعات مهم (مطالعه، ورزش، اشتها، عدم پیگیری برنامه بازپروری و مهارت‌های حرفه‌ای) می‌شود و این احساس همراه با درماندگی، دل‌کندن، اسارت، افسردگی و انزوا به همراه است. مشارکت‌کننده شماره ۱۰ با ۳ فرزند بیان کرد:

«زمانی که همسر و شریک زندگیتان در کنارتان نباشد، در شهر غریب باشی، کسی جویای احوالت نیست، جز الله کسی را نداری، حوصله فرزندان را نیز نداری، احساس ناتوانی و ناامیدی می‌کنی».

## سؤال دوم پژوهش: توصیف مادران از رابطه خود با فرزندان چیست؟

نتایج مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده سؤال توصیف مادران از رابطه خود با فرزندان در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: مفاهیم اصلی و مقوله‌های توصیف مادران از رابطه خود با فرزندان

ردیف	مفاهیم	مقاله
۱	ترس از مبتلا شدن فرزندان به دامن اعتیاد، وابستگی شدید به فرزندان؛ وابستگی فرزندان بزرگ به مادر پس از زندانی شدن پدر؛ مشکلات مالی شدید خانواده و در نتیجه کمبود محبت از سمت مادر به فرزندان، محرومیت مادی، وابستگی شدید به فرزندان	وابستگی به فرزندان
۲	مبارزه جهت توجه به نیازها، کوشش و تلاش برای خود، حق مسلم دانستن ابراز نظر مخالف، تأکید بر حق دانستن عقیده‌های فرزندان، اعتصاب غذایی روشی برای رسیدن به نیازها	قدرت ابراز وجود

مادران شرکت‌کننده در مصاحبه، به این امر توجه داشتند و در تمام مدت مصاحبه تأکید داشتند که با فرزندان خودشان ارتباط خیلی خوبی داشتند؛ گروهی از این افراد قبل از اینکه همسرشان به زندان برود نیز ارتباط بین فرزندان و خودشان بسیار عالی بوده، و در زمان زندانی بودن همسر نیز با توجه به اینکه فرزندان پناهگاهی جز مادر نداشتند، وابستگی بیشتری بین مادران و فرزندان وجود داشته است. مشارکت‌کننده شماره ۱۵ در خصوص توصیفش از رابطه خود با فرزندش بیان می‌کند:

«با فرزندم رابطه خیلی خوبی برقرار کردم که قبلاً این‌گونه نبود؛ الان هر اتفاقی در مدرسه برایش می‌افته اول میاد برای من تعریف می‌کنه».

مشارکت‌کننده شماره ۱۲ هم در این خصوص بیان می‌کند:

«مشکلی که من دارم ترسی است که از فرزند بزرگم دارم، نکنند که با دوستان بد رفیق شود و به سمت مواد مخدر برود؛ همیشه او را تعقیب می‌کنم، ولی اگر من را ببیند که من او را تعقیب می‌کنم، با من دعوا می‌کند که من مگر بچه هستم، باز در خانه دعوا شروع می‌شود».

یکی از مشکلاتی که مادران مطرح می‌کردند، با توجه به اینکه در خانواده‌های ایرانی، پدر خانواده نقش خیلی مهمی دارد و به قولی تمام اعضای خانواده تحت فرمان پدر هستند و ترسی از قدرت و صحبت‌های پدر دارند (گوش به فرمان بودن و اطاعت‌پذیری)، اما زمانی که پدری در خانواده نباشد، فرزندان هم گوش نداده و نافرمانی می‌کنند که در علم روان‌شناسی و مشاوره می‌توانیم بگوییم به نحوی «قدرت ابراز وجود» می‌کنند. قدرت ابراز وجود با مفاهیم رد قاطعانه، بیان قاطعانه و درخواست قاطعانه تعریف می‌شود. ابراز وجود قوی بر بسیاری از جنبه‌های رفتاری و روان‌شناختی تأثیر مثبت دارد؛ می‌تواند در توسعه روابط به فرد کمک کند، به او اجازه می‌دهد که احساس اعتماد به نفس و عزت نفس داشته باشد و اساساً باعث بهبود توانایی تصمیم‌گیری فرد نیز می‌شود. ابراز وجود، زمانی جلوه می‌کند که احساسات، نیازها، نظرات و در نهایت حقوق او مورد تهدید و سوءاستفاده قرار گیرد، ایستادگی شکل می‌گیرد. در نتیجه تحلیل و تجزیه مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان مشخص شد قاطعیت و ابراز وجود، پیامدهای منفی را برای مادرانی که همسران زندانی داشتند، به همراه داشته است؛ برای مثال مادران در خانه، هنگام صحبت با فرزندان کم می‌آوردند و گاهی به فرزندانشان گیر می‌دادند، فرزندان نیز برای گرفتن حقشان دست به اعمالی می‌زدند که از طریق آن به خواسته‌هایشان برسند از جمله اعتصاب غذایی، پرخاشگری و ... مشارکت‌کننده شماره ۲۰ گفت:

«فرزندم زمانی که می‌دید همسن و سالهایش اسباب بازی یا در مدرسه وسیله‌ای دارند که فرزندم هم لازم دارد، به هر طور که شده می‌گفت باید بخرید و من که مشکل مالی داشتیم، فرزندم دست به اعتصاب غذا می‌زد که من اون وسیله را برایش فراهم کنم».

### سؤال سوم پژوهش: عوامل مؤثر در رابطه مادر-فرزند بعد از زندانی شدن سرپرست خانوار چیست؟

نتایج مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده سؤال عوامل مؤثر در رابطه مادر-فرزند بعد از زندانی شدن سرپرست خانوار در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: مفاهیم اصلی و مقوله‌های مؤثر در رابطه مادر-فرزند بعد از زندانی شدن سرپرست خانوار

ردیف	مفاهیم	مقوله
۱	تجربه کردن رنج و پریشانی، پریشان شدن با یادآوری و گفتن در مورد کلمه زندان، اذیت و آزار در تنهایی و عدم سرپناه و همسر؛ کنترل قرار دادن فرزندان، ترس از تربیت صحیح فرزندان	اختلال استرس پس از سانحه
۲	حساسیت بیش از حد، دردهای مفصلی و بیماری در نبود همسر و کار فراوان در نتیجه عدم توجه دقیق به فرزندان، از دست دادن حوصله کار	اختلال روان‌تنی
۳	طعنه و کنایه اطرافیان و فامیل؛ ارتباط نداشتن با دوستان و همسایگان نتیجه زندانی شدن همسر؛ دید و بازدید نرفتن اقوام؛ کناره‌گیری کردن دوستان فرزندان در مدرسه	وجه اجتماعی

مادران شرکت‌کننده در مصاحبه، به این امر توجه داشتند و در تمام مدت مصاحبه تأکید داشتند که با فرزندان خودشان ارتباط خیلی خوبی داشتند؛ بعد از زندانی شدن سرپرست خانواده گاهی ارتباطها سرد شده یا گرم‌تر از قبل شده است. راه‌حلهایی بهتر شدن رابطه نیز ارائه شد؛ خرید و رفاقت بیشتر با فرزندان یکی از این پیشنهادها بود که اکثراً با آن موافق بودند.

زندان مجموعه‌ای از پیامدهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به همراه دارد. پیامدهایی نظیر ضعف جسمی، بیماری‌های روانی - جسمانی، از دست دادن باور اجتماعی، نبود فضای مناسب برای اشتغال مجدد، اخلال در فرایند جامعه‌پذیری و سست شدن کنترل اجتماعی بر فرزندان و همسران و به طور کلی خانواده زندانی است. یکی دیگر از پیامدهای آن فرایند تبدیل شدن افراد به عناصر ضداجتماعی است. ضداجتماعی شدن در خانواده نیز به دلیل بروز پدیده برچسب‌زنی و طرد اجتماعی و وجود نگاه‌های شجاع‌آلود و بیم نسبت به خانواده به تدریج رشد می‌کند و به یک آسیب تبدیل می‌شود. زندان‌ها به دلیل نداشتن برنامه‌های منظم و منسجم، اغلب برای متهمان فرصتی برای آموزش خلافاکاری است و زمانی که به نزد خانواده برمی‌گردند، طبعات زیانباری به همراه دارد.

**مقوله اختلال استرس پس از سانحه:** ممکن است در زندگی قربانی یک حادثه طاقت‌فرسا شویم که خارج از کنترل ماست که اغلب مردم پس از گذشت ایام با آن کنار می‌آیند، درحالی‌که در عده دیگر تجربیات تلخ، واکنشی را ایجاد می‌کند که ممکن است برای ماه‌ها یا سال‌ها طول بکشد، اساس این واکنش را اختلال استرس پس از سانحه می‌گوییم کسی نیست که حال خاطر ناخوشایند را تجربه نکرده باشد. از همین رو همه ما تجربیات تلخی داشته‌ایم که در گوشه‌ای از حافظه ما ذخیره است و هر از گاهی تداعی آن باعث ناراحتی و عذاب ما می‌شود. خاطرات تلخ به گونه‌ای در حافظه ذخیره می‌شود که با کوچک‌ترین نشانه‌ها می‌توانند تداعی شوند. یادآوری و فکر کردن به این خاطرات و عدم ابراز هیجان همراه با آن خاطرات گاهی تا جایی می‌رسد که منجر به افسردگی و اضطراب می‌شود. مسلماً ادامه آن می‌تواند به بزرگترین و پیچیده‌ترین آسیب‌های روحی و روانی تبدیل شود. مصاحبه‌شوندگان در پژوهش هنگام اسم بردن از نام زندان، خاطرات تلخ

مربوط به دوران حبس و زندان بودن همسرشان را به یاد می‌آورند، آنان هنگامی که راجع به زندانی و زندان صحبت می‌شد، خاطراتی را بیان می‌کردند که برایشان بسیار دردآور بود و رابطه بسیار وحشتناکی که با فرزندانشان داشتند. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت:

«با پسر سر مسائل کوچک دعوا می‌کنیم، الان که بابا نیست، معلوم نیست کی بیاد، تو برای چی به من گیر می‌دی، سر همین مسائل گوشه‌گیر شده و با من خیلی کمتر حرف می‌زند». یا مشارکت‌کننده دیگری بیان می‌کند که «من خودم میرم مدرسه، برام کسر شأن است که تو بیایی دم در مدرسه دنبالم؛ یا با بابا میرم مدرسه یا هیچ کس لازم نیست با من بیاد».

**مقاله اختلال روان‌تنی:** اختلال روان‌تنی در واقع به بیماری‌ها و دردهای جسمی اشاره دارد که در واقع ریشه و منشأ روانی دارند. طبق بسیاری از پژوهش‌های انجام شده، میان جسم و روان، رابطه متقابل وجود دارد. بسیاری از اختلالات جسمی ریشه در اختلال و عدم سلامت روان دارد. برخی شرکت‌کنندگان در این تحقیق نیز به مشکلات جسمی پس از اینکه همسرشان در زندان بوده و ارتباط بین فرزندان اشاره می‌کردند، از عدم پشتیبان صحبت می‌کردند و اینکه حالا با این فرزندان چه کنیم؟ قرار نیست کسی کمک کند؛ همسایگان هم نباید متوجه شوند که همسر به خاطر مواد مخدر در زندان است و همین باعث شد ضعف جسمانی خود را به عوامل متعدد ربط دهند، دچار فشارهای روانی، حساسیت بیش‌ازحد، اختلال در خوابیدن، دردهای مفاصل و بیماری معده شوند.

**مقاله وجهه اجتماعی:** برخی از خانم‌ها علیرغم اعتیاد یک طرف، به زندگی عادی خود ادامه داده و تلاش‌های چند باره‌ای نیز برای غلبه بر اعتیاد انجام داده بودند. اما این وضعیت تا زمانی ادامه داشت که وضعیت ظاهری فرد معتاد عوض نشده بود و زوج مجبور نبود با نگاه‌های معنادار و طعنه و کنایه‌های اطرافیان مواجه شود، زمانی که این اتفاق روی می‌دهد و همسر غیر معتاد از حضور در کنار معتاد احساس شرمساری می‌کند و تلاش برای تغییر وضعیت را نیز بی نتیجه می‌یابد اقدام به عدم معاشرت با حتی خانواده خود می‌کند. گاهی در بعضی از صحبت‌های مادران دیده می‌شد که بیان می‌کردند، خانواده همسر هم از ما کناره‌گیری می‌کنند.

مدت‌هاست که باهم جایی نرفتیم (از زندان مرخصی که می‌گیرد، فقط تو خونه‌ایم)، نگاه‌های مردم دیگه برام قابل تحمل نیست ... خیلی تابلو شده، صورتش سیاه و لاغر شده، رنگ لباس عوض شده، هر کی ببینه متوجه میشه من دارم با یه معتاد زندگی می‌کنم و زندان هست، قبلاً معلوم نبود، من هم امیدوار بودم بالاخره یه روزی ترک می‌کنه، ولی ترک که نکرد هیچی، همه هم فهمیدن از خجالت‌م نمی‌تونم پیش دوستان و آشنایان سر بلند کنم، فقط لحظه شماری می‌کنم اسمش از شناسنامه‌م حذف شه.

## بحث

محکوم شدن سرپرست خانواده می‌تواند آسیب چند برابر بر همسر، فرزندان، اقتصاد و ارتباط اجتماعی زندانی بر جای بگذارد. پژوهش حاضر با عنوان «تجربه زیسته همسران زندانی در ارتباط با فرزندان» به بررسی عمیق و تجربه آنان از زندگی پرداخته است. هدف از انجام این پژوهش کشف تجربه زیسته زندانی شدن همسر، رابطه فرزندان قبل و بعد از زندانی شدن همسر بود. به منظور مطالعه و بررسی عمیق‌تر این موضوع از روش کیفی و راهبرد پدیدارشناسی استفاده شده است. به این منظور، تعداد ۲۰ نفر از زنانی که همسرانشان به خاطر حمل یا مصرف مواد مخدر در زندان بودند و دارای فرزند می‌باشند، مورد مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته قرار گرفتند و داده‌های جمع‌آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در خصوص تجارب زیسته مادران در ارتباط با فرزندان، بسیاری از مادران بر این امر اتفاق نظر داشتند که بعد از زندانی شدن سرپرست خانواده ضربه شدیدی به بنیاد خانواده وارد شد و به گونه‌ای خانواده از هم گسیخت. معاشرت با بستگان (همسر از هر دو طرف) از بین رفت، گاهی خانواده همسر، زن را مقصر در این رابطه و اتفاق می‌دانستند، اعتماد به نفس در بین کلیه اعضای خانواده از بین رفته و به لحاظ مادی هم خانواده دچار تضعیف بنیه مالی شدید شده است. همانگونه که یافته‌های پژوهش نشان داد طیف وسیعی از پیامدهای فردی و شخصیتی مثل ترس و بی‌اعتمادی نسبت به دوستان و افراد نزدیک به آنان به دلیل فاش شدن اطلاعات، ضعف عزت‌نفس و اعتماد به نفس آنان به دلیل سرکوب شدن آنان از سوی خانواده همسر و عدم پذیرش آنان در جامعه، از دست‌دادن اراده و اختیار در دوران حبس همسر و ترس فراگیر پس از آزادی همسر و سؤالاتی که افراد نزدیک و همسایگان می‌زنند که قبلاً همسرت کجا بوده؟ الان بیشتر دیده می‌شود؟ نکته در زندان بوده؟ به چه علت در زندان بوده؟ و ... به علت توهم ناشی از این مسائل به طور دوام‌دار حس می‌کنند که تحت کنترل نظارت قرار دارند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش (Sumter et al (2018 که معتقد بودند محبوسین پس از آزادی با دو چالش روبرو می‌شدند یکی از دست دادن هویت اجتماعی و دیگری تلاش برای کنار آمدن برچسب زندانی به منظور ادغام اجتماعی، همسو است. همچنین این یافته با گزارش واحد



سلامت، سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۶) که بیان کرد زندان برای سلامت روانی مضر است و انواع خشونت روانی، عدم رعایت حریم خصوصی، جداسدن از شبکه اجتماعی، نبود امنیت در مورد چشم‌انداز آینده خانواده، کار، روابط اجتماعی و ... ناشی از آن می‌باشد، همسو است. پیامد اقتصادی آن از دست دادن وجهه شغلی، بیکاری، ازدست دادن پس‌انداز و بی‌اعتمادی صاحبان کار نسبت به فرد زندانی شده می‌باشد. این یافته‌ها با پژوهش (Baghi & Moussavi, 2017) که نشان دادند زندان پیامدهای فردی مانند توهم، یأس، ترس و ضعف اعتمادبه‌نفس؛ پیامدهای اجتماعی مانند انزوای اجتماعی؛ پیامدهای اقتصادی مانند فقر خانواده زندانی؛ و پیامدهای سیاسی مانند بی‌اعتمادی و احساس خصومت نسبت به نظام موجود و تشدید خشونت و ناامنی را به همراه دارد، همسو است. زندان نه تنها پیامدهایی را برای فرد زندانی به همراه دارد، بلکه اعضای خانواده مخصوصاً فرزندان و همسر زندانی را از دو جهت تحت تأثیر قرار می‌دهد: یکی بی‌سرپرست شدن فرزندان و دیگری از دست‌دادن منبع درآمد و نان‌آور خانواده است که به نوبه خود به فشار و استرس آن‌ها می‌افزاید. یکی از تبعات منفی دیگر زندانی بودن این است که مردم جوشش و بده‌بستان‌های قبل از زندانی شدن را با این اشخاص ندارند که این خود باعث طرد اجتماعی آن‌ها می‌شود. این یافته با پژوهش (Sadeghi fasai & Mirhosseini, 2014) همسو است.

در خصوص کیفیت رابطه مادر-فرزند، بسیاری از مادران تأکید بر این داشتند که رابطه آنها با فرزندان پس از زندانی شدن همسرشان، بسیار بهتر از قبل شده و اکثراً هم با فرزندان بزرگ خانواده این اتفاق افتاده. با توجه به اینکه مادران در خانواده پس از زندانی شدن همسرشان، دو نقش را در خانه ایفا می‌کردند (مادر و پدر)، گاهی مجبور بودند که رابطه بهتری نیز با فرزندان داشته باشند. گوش دادن به درد دلها، اتفاقاتی که در خیابان یا مدرسه برای فرزندان اتفاق می‌افتاد؛ صحبت در مورد آینده خانواده (آینده پدر خانواده، آینده فرزندان و گاهی مادر خانواده) از نمونه صحبت‌ها و مکالمه‌هایی بود که مادران با فرزندان داشتند. بعضی از خانواده‌ها هم بیان کردند که رابطه‌ها تغییری آنچنانی نداشته (از قبل رابطه خوب بوده، پدر خانواده مصرف مواد داشته و مادر و فرزندان هم به پدر توجه‌ای نداشته‌اند) و اکنون که همسر یا به قولی پدر خانواده در زندان هست، همان رابطه قبلی را ادامه می‌دهند. یکی از مشکلاتی که اکنون مادران با فرزندان دارند، خطر گرایش فرزندان پس از زندانی همسر، بزهکاری و گرایش به سمت مواد مخدر است که با پژوهش میرکمالی و مهدوی (۱۴۰۰) همسو است که زندانی شدن یکی از والدین خطر گرایش به بزهکاری را در فرزندان زندانیان افزایش می‌دهد. یکی دیگر از مشکلاتی که توسط مادران مطرح شده، تضعیف کنترل فرزندان بود. فرزندان گاهی همان فرزند بزرگتر اگر فرزند پسر باشد، در بیرون از خانه نمی‌توانم همیشه دنبالش باشم و کنترل کنم که با چه کسانی رفت و آمد می‌کند و تعلق خاطری هم به من به عنوان مادر دیگر ندارد که با بخشی از نتایج پژوهش (Pourjamali, 2014) همسو بود. در این خصوص باید به این نکته توجه داشت که عوامل خطر خانوادگی به دلیل مدت طولانی که فرزندان در معرض آنها قرار دارند تأثیر بسزایی در رشد و جامعه‌پذیری فرزندان دارد. خانواده یکی از مؤثرترین نهادها در جامعه‌پذیر کردن کودکان و نوجوانان است، افراد از طریق خانواده وارد جامعه می‌شوند و در محیط خانواده با ارزش‌ها و هنجارها آشنا می‌شوند. اگر آموزش ارزش‌ها و هنجارها به نحو صحیحی صورت نپذیرد افراد چگونگی رفتار در جامعه را نمی‌آموزند و نمی‌توانند با سایر شهروندان ارتباط سالمی داشته باشند، قوانین و مقررات اجتماعی را نادیده می‌گیرند و مستعد ارتکاب جرم می‌شوند. کودکان و نوجوانانی که دارای والد زندانی هستند از داشتن الگویی سالم و هنجارمند محروم هستند. در این خانواده‌ها جامعه‌پذیری به شکل منفی اتفاق می‌افتد و کودکان رفتارهایی ضد‌هنجار از والدین خویش می‌بینند و آنگونه رفتار کردن را می‌آموزند و تقلید می‌کنند (میرکمالی و مهدوی، ۱۴۰۰) بر این اساس نتیجه به دست آمده قابل تبیین است.

با صحبت‌هایی که با مادران در خصوص توصیف رابطه خود با فرزندان انجام شد، بیان کردند که رابطه در سطح متوسط یا گاهی ضعیف است. البته به نظر می‌رسد یکی از دلایل این امر، پایین بودن سطح سواد مادران هم می‌تواند باشد؛ با صحبت‌های انجام شده، نتایج نشان داد که اکثر مادران وقت زیادی با فرزندان خود نمی‌گذاشتند، مادران بیان می‌کردند که یک زندگی معمولی و عادی (تأکید بر رابطه بین خود و فرزندان) داشتیم، با همدیگر کمتر صحبت می‌کردیم یا به بازار و گاهی به پارک می‌رفتیم. در خلال صحبت‌ها، از طرف مصاحبه‌گر پیشنهاد شد که اگر رابطه بهتر و دوستانه‌تری می‌داشتند، آیا در حال حاضر که پدر خانواده حضور مستمر و همیشگی ندارد، خانواده به لحاظ آرامش فکری و عاطفی در سطح بالاتری می‌بود که اکثراً موافق این امر بودند و نگرانی‌هایی که در حال حاضر برای آینده فرزندان دارند (ترس از اعتیاد و گرایش به مواد مخدر و بزهکاری) ممکن بود کمتر داشته باشند که این نتایج با بخشی از نتایج پژوهش (Roghanchi et al, 2017) هم‌راستا بود. می‌توان گفت یکی از مهمترین مسائلی که اغلب خانواده‌های زندانیان و فرزندان آنها با آن مواجهند، نابسامانی خانوادگی و بهم‌ریختگی وضعیت زندگی است به طوری که این مسأله باعث سردرگمی فردی، خانوادگی و اجتماعی فرزندان می‌شود و بسیاری از آنها را در بالاترینکی ناشی از غیبت والدین و مجرم بودن آنها قرار می‌دهد. علاوه بر این به تعویق افتادن نقش والد، ناکارآمدی او و تأخیر در اجرای وظایف و کارکردهای خانواده از پیامدهای حبس والدین است که در نتیجه آن رابطه فرزندان با والد حاضر نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Mirhosseini & Ebrahimi, 2020).

با توجه به نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها، اینگونه می‌توان برداشت کرد که بعد از زندانی شدن سرپرست خانواده، رابطه‌ها گاهاً بدتر و خانواده گاهاً به از هم‌گسختگی و آشفتگی منجر شده و جریان عادی زندگی که قبلاً وجود داشت، در حال حاضر وجود ندارد، ناامیدی، برچسب‌زدگی از طرف دوستان و گاهاً خانواده‌ها، از عوامل مؤثر در رابطه مادر با فرزندان بعد از زندانی شدن همسر از طرف مادران گزارش شد که با پژوهش (Mirhosseini & Ebrahimi, 2020) همسو بود. مادران بیان کردند که یکی از مشکلاتی که بین فرزندانشان وجود دارد این است که فرزندانشان از آینده خود و اینکه بعداً دچار چه مشکلاتی خواهند شد (به لحاظ شغلی و ادامه تحصیل) دچار سرگردانی هستند. خانواده‌هایی بودند که فرزندانشان در دستگاه‌های دولتی و دانشگاه فرهنگیان در مرحله اول قبول شده‌اند، ولی زمان مصاحبه عمومی و تحقیقات محلی با توجه به زندانی بودن پدر و پیشینه قضائی که بوجود آمده، از این مرحله نامشان حذف شده و آن موقعیت اجتماعی را نیز کسب نکرده‌اند که این نتیجه با پژوهش (Roghanchi et al, 2017) همراستا بود. از دیگر مشکلاتی که مادران بیان می‌کردند، ترس از عواقب اجتماعی در ارتباط با فرزندانشان بود که بیشتر در ارتباط با مشکلات تحصیلی فرزندانشان مطرح می‌شد. بعضی از خانواده‌ها، از اینکه پدر فرزندانشان در زندان هستند هم به مدرسه، هم به همسایگان اطلاع نداده بودند که عواقب بدی برای فرزندان نداشته باشد که این امر نیازمند این است که دولت، کمیته امداد به این امر توجه کرده که عوارض ناشی رابطه اعضای خانواده، در بعد آموزشی بروز نکرده و فرزندان خانواده‌ها، مورد حمایت قرار گیرند. این نتایج با بخشی از نتایج پژوهش (Najari, 2016) و (Pourjamali, 2014) همراستا بود. هیرشی از دل‌بستگی، تعهد، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و اعتقاد و ایمان به نهادهای اجتماعی و قانون، به مثابه چهار عامل پیوندزنده فرد و جامعه نام می‌برد که سبب هم‌نوایی فرد با جامعه و هنجارهای اجتماعی می‌شود، با این حال وضعیت حاکم بر زندگی کودکانی که والد آنها زندانی است و عوامل مؤثر بر آن همچون غیبت والدین، بزه‌کاری آنها، عدم نظارت و کنترل صحیح، جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن جرم‌محور، طرد اجتماعی، مغفول ماندن این کودکان، سوءظن و بی‌اعتمادی به والدین و نهادهای اجتماعی، عدم تمایل به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی به علت طرد یا ترس و غیره این عوامل را تضعیف کرده و نه تنها از اجتماعی شدن فرزندان ممانعت می‌کند که رابطه فرزندان با والد غیرزندان را نیز دستخوش تغییر می‌گرداند. علاقه این افراد به یکدیگر کم است و وابستگی‌ای احساس نمی‌کنند. اعضای این خانواده‌ها هیچگونه تعهدی برای هم‌نوایی با دیگران در خود نمی‌یابند و مشارکت کمتری نیز در امور دارند (Mirhosseini & Ebrahimi, 2020) که تمام این موارد رابطه بین اعضا را کمرنگ می‌سازد.

## نتیجه‌گیری

به طور کلی نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که زندانی شدن پدر به طور مستقیم با زندگی سایر اعضای خانواده در ارتباط بوده و کیفیت زندگی آنها را دچار تغییرات اساسی می‌کند. همچنین بر رابطه مادر و فرزندان نیز تأثیر دارد. رابطه‌ها گاهاً بدتر شده و خانواده گاهاً به از هم‌گسختگی و آشفتگی منجر شده و جریان عادی زندگی که قبلاً وجود داشته، از بین می‌رود. بر این اساس به نظر می‌رسد خانواده‌های زندانیان مواد مخدر نیاز به راهنمایی و مداخلات یاری‌رسان در جهت بهبود کیفیت زندگی و به ویژه رابطه والد-فرزند با مادر دارند.

## محدودیت‌ها

در هر کار پژوهشی، محدودیت‌هایی بر سر راه پژوهشگر وجود دارد که در تمامی مراحل پژوهش به همراه محقق است. پژوهش حاضر نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. از جمله اینکه به دلیل خاص بودن موضوع پژوهش، دسترسی به نمونه دشوار بود و همچنین مشکل در پیدا کردن نمونه و جلب رضایت آنها به منظور ایجاد مصاحبه وجود داشت، همچنین به دلیل اینکه موضوع تحقیق بر سر تجربه زیسته خانواده‌ها بود، کمبود پیشینه وجود داشت، علاوه بر این به دلیل محدود بودن نمونه پژوهش تعمیم نتایج به جوامع بزرگتر دشوار است.

## پژوهش‌های آینده

تحقیقات آتی می‌توانند به بررسی چالش‌ها و تبعات خانواده‌های زندانیان زندان از دیدگاه کمیته امداد و بررسی مشکلات افراد زندانی جهت جلوگیری از بروز اختلالات روحی و روانی بپردازند. همچنین می‌توان پژوهش‌های کاربردی جهت اجرای مداخلات و برنامه‌های مؤثر در این حیطه تدارک دید. پژوهش‌هایی همچون: بررسی نقش برنامه‌های حمایتی-درمانی کوتاه مدت و بلندمدت کمیته امداد در حمایت خانواده‌های زندانی. طراحی مدل‌های بازسازی مبتنی بر ارتباط زنان با خانواده و گسترش شبکه‌های اجتماعی، تأثیر اجرای برنامه‌های طرح امید، نشاط اجتماعی در کاهش خطرات و پیامدهای زندانی شدن سرپرست برای خانواده‌های زندانیان توسط کمیته امداد، بررسی اثربخشی دوره‌های

مختلف سوادآموزی در امید به زندگی و کاهش جرایم زندانیان، بررسی میزان اثربخشی برنامه‌های قرآنی برای خانواده‌های زندانی توسط کمیته امداد و برای فرد زندانی توسط زندان در جلوگیری از بازگشت مجدد زندانی و پذیرش زندانی توسط خانواده‌های آنان.

## تعارض منافع

نویسندگان مقاله هیچگونه تعارض منافی را گزارش نکرده‌اند.

## قدردانی

بدین وسیله از کمیته امداد امام خمینی (ره) استان خراسان جنوبی در حمایت از این طرح پژوهشی تشکر می‌نمایم.

## References

- Baghi, E., & Moussavi, M. (2017). The consequences of imprisonment on prisoners' families. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 6(3), 517-550. [https://jsr.ut.ac.ir/article\\_64431.html?lang=en](https://jsr.ut.ac.ir/article_64431.html?lang=en)
- Bashirgonbadi S., Dargahi, S., Ahmadboukani, S., & Fadakar, P. (2021). Examining the causal model of marital satisfaction based on attachment styles with the mediating role of triangulation. *Journal of Health*, 12(1), 37-49. <https://healthjournal.arums.ac.ir/article-1-2358-en.html>
- Bashirgonbadi, S., Sheykhoslamy, A., Rezaeisharif, A., & Kiani, A. (2024). Developing a parenting program for mothers with children with gender dysphoria and examining its impact on the resilience and quality of the parent-child relationship. *North Khorasan University of Medical Sciences*, 16(1), 79-86. <http://journal.nkums.ac.ir/article-1-2928-en.html>
- Boswell, G. (2018). Imprisoned fathers and their children: A reflection on two decades of research. *Child Care in Practice*, 24(2), 212-224. <https://doi.org/10.1080/13575279.2017.1420037>
- Foster, R. (2019). 'Doing the wait': An exploration into the waiting experiences of prisoners' families. *Time & Society*, 28(2), 459-477. <https://doi.org/10.1177/0961463X16633235>
- Gueta, K. (2017). The experience of prisoners' parents: A meta synthesis of qualitative studies. *Family Process*, 57(3), 767-782. <https://doi.org/10.1111/famp.12312>
- Halter, E. (2018). Parental Prisoners. *The Journal of Criminal Law and Criminology* (1973-), 108(3), 539-568. <https://scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=3383043>
- Iranian Statistics Center (2018). [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- Jeffries, S., & Chuenurah, C. (2018). Pathways to prison in Cambodia for homicide offending. *South East Asia Research*, 26(2), 109-131. <https://doi.org/10.1177/0967828x18769223>
- Kahrizeh, M., Saberi, M., & Bashirgonbadi, S. (2020). Effect of spiritual-religious interventions on anxiety, depression, and adjustment to parental divorce in female high school students. *Health Spiritual Med Ethics*, 7(2), 2-8. <http://dx.doi.org/10.29252/jhsme.7.2.2>
- Karimi, M., & Fatemi, N. (2019). Investigating the relationship between the quality of parent-child interaction and critical thinking disposition with mental health components among adolescent girls. *Journal of Counseling Research*, 17(68), 192-210. <http://irancounseling.ir/journal/article-1-882-fa.html>
- Mirkamali, A. R., & Mahdavi, F. (2021). Risk of deadly in children with prisoner parents, emphasizing disruption to family socialization function. *Journal of Crime Prevention Approach*, 4(3), 13-36. [In Persian] [http://journals1.jri.ac.ir/article\\_244992.html](http://journals1.jri.ac.ir/article_244992.html)
- Mirhosseini, Z., & Ebrahimi, M. (2020). Study of life experience of children and adolescents in families with incarcerated parent. *Journal of Iranian Social Studies*, 13(1), 133-153. <https://dori.net/dor/20.1001.1.20083653.1398.13.1.6.7>
- Najari, A. H. (2016). *The effect of prison sentence on the families of drug prisoners: a case study of Ghazal Hesar Prison from 1990 to 1995* [Thesis for Master of Laws, University of Science and Culture]. [In Persian]
- Pourjamali, N. (2014). *Anthropological study of the problems of children of imprisoned fathers in Tehran in 2013* [Master's thesis of Islamic Azad University, Central Tehran Branch]. [In Persian]

- Rezaei, M. A., Mohammadinia, N., & Samiezhadeh Toosi, T. (2013). Problems of female-headed households in sistan baluchistan province, Iran. *Journal of Research Health*, 3(3), 452-457. <http://jrh.gmu.ac.ir/article-1-94-en.html>
- Roghanchi, M., Jazayeri, R., Etemadi, O., Fatehizade, M., & Momeni, kh. (2017). Exploration of the pathologies in mother-headed families. *Counseling Culture and Psychotherapy University of Allameh Tabataba'i*, 8(31), 53-78. <https://doi.org/10.22054/qccpc.2017.25565.1624>
- Sadeghi fasai, S., & Mirhosseini, Z. (2014). Sociological analysis of narratives of women from prison after release. *Woman in Development & Politics*, 12(33), 345-362. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2014.53687>
- Shiyani, M., & Zare, H. (2020). A meta-analysis of female-headed household studies in Iran. *Sociological Review*, 26(2), 67-97. <https://doi.org/10.22059/jsr.2020.75859>
- Straub, C., & Annison, H. (2020). The mental health impact of parole on families of indeterminate sentenced prisoners in England and Wales. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 30(6), 341-349. <https://doi.org/10.1002/cbm.2184>
- Sumter, M. T. (2018). Her Caribbean Blues: The female prison experience. *Scholarly Journal of Psychology and Behavioral Sciences*, 1(3), 53-62. <https://doi.org/10.32474/sjpbs.2018.01.000114>
- Van De Weijer, S. G. A., Smallbone, H. S., & Bouwman, V. (2018). Parental imprisonment and premature mortality in adulthood. *Journal of Developmental and Life-course Criminology*, 4(2), 148-161. <https://doi.org/10.1007/s40865-017-0078-1>
- Zare Bahramabadi, M., Zaharakar, K., Salehian Broojerdi, H., & Mohammadifar, M. (2013). The effectiveness of relationship enhancement program on quality of parent-child relationship in mothers who are heads of household in single-parent families. *Journal of Clinical Psychology*, 5(2), 14-24. <https://doi.org/10.22075/jcp.2017.2123>

